info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۰۸
شنبه / ۱۱ امرداد / ۱۴۰۴
۸ / صفر / ۱۴۴۷
02 / August / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۳۸۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

گر می‌فروش حاجتِ رندان روا کند
ایـزد گنـه ببـخشد و دفع بلا کند
ساقی به جامِ عدل بده بـاده تا گدا
غیرت نیاوَرَد، که جهان پُربلا کند

نسیمی بیاور ز پیراهنش
که شد پیرهن بر وجودم قبا
اگر پایم از بوی زلفش خبر
نیابد وجودم گزند از وبا

لوحدی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۳۵	۰۵:۱۳	۱۲:۱۲	۱۹:۱۱	۱۹:۳۱

برگه

تسلیم و رضا در برابر حوادث علاج ناپذیر، مهمترین توشه سفر زندگی است.

آرتور شوپنهاور

گزارش روز

موسیقی برای نوجوانان فقط سرگرمی نیست پناه است

یک آهنگساز می‌گوید موسیقی برای نوجوانان فقط سرگرمی نیست، بلکه پناهی برای احساسات، راهی برای کشف هویت و پلی برای ارتباط اجتماعی است.

به گزارش پیام آشنا، محمدرضا قربانی (آهنگساز) طی یادداشتی که به صورت اختصاصی در اختیار ایسنا قرار داده است، به ارتباط موسیقی با نوجوانان پرداخته است که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

«به شدت معتقدم موسیقی عنصری رایج در زندگی روزمره، بسیاری از نوجوانان امروز کشور است. این عنصر نقش مهمی در شکل‌دهی به تجربیات روزانه و رشد شخصی آنها ایفا می‌کند. از لیست‌های پخش و رسانه‌های اجتماعی گرفته تا کنسرت‌ها و جشنواره‌ها، موسیقی بخش مهمی از زندگی بسیاری از نوجوانان است. مشاهده تأثیر آن می‌تواند به ما نشان دهد که چگونه بر بسیاری از جنبه‌های زندگی جوانان ما تأثیر می‌گذارد.

موسیقی اغلب به عنوان یک مکانیسم عاطفی برای نوجوانان استفاده می‌شود و به آنها در ابراز احساساتشان کمک می‌کند. ژانرها و آهنگ‌های مختلف موسیقی به نوجوانان اجازه می‌دهد طیف وسیعی از احساسات، از شادی و هیجان گرفته تا غم و اندوه را کشف کنند. برای بسیاری از نوجوانان، موسیقی یک سیستم مقابله‌ای است که در فراز و نشیب‌های دوره نوجوانی، آسایش را فراهم می‌کند. مطالعات نشان داده است که گوش دادن به موسیقی می‌تواند استرس و اضطراب را کاهش دهد، خلق و خو را بهبود بخشد و حتی به مشکلات سلامت روان کمک کند.

موسیقی همچنین نقش مهمی در اجتماعی شدن دارد. می‌تواند یک علاقه مشترک باشد که نوجوانان را گرد هم می‌آورد. کنسرت‌ها، جشنواره‌های موسیقی و سایر فعالیت‌های مرتبط با موسیقی فرصت‌هایی را برای تعامل و لـذت اجتماعی فراهـم می‌کنند. تجربه موسیقی می‌تواند به نوجوانان کمک کند تا یک حلقه اجتماعی ایجاد کنند و احساس کنند که عضوی از یک جامعه هستند. شـواهدی وجـود دارد که نشـان می‌دهد موسیقی می‌تواند مزایای فکری نیز داشته باشـد. یادگیری نواختن یک ساز یا شرکت در فعالیت‌های موسیقی می‌تواند مهارت‌هایی مانند حافظـه، توجه و توانایی‌های تحلیلی را افزایـش دهد. برای برخـی از نوجوانان، علاقه‌مندی به موسـیقی می‌تواند منجر به بهبود عملکرد تحصیلـی و افزایش نظم و انضباط شود. مدارسی که موسیقی را به عنوان یک موضوع درسی دارند، معمولا نتایج مثبتی در یادگیری دانش‌آموزان خود دارند.

طـی دوران نوجوانـی، نوجوانـان فرآیند شـکل‌گیری هویت خـود را می‌گذرانند. موسیقی می‌تواند نمادی مهم از ابراز وجود باشـد که به آنها امکان می‌دهد جنبه‌های مختلف شـخصیت و هویت خود را کشف کنند. نوجوانان از طریق موسیقی که گوش می‌دهنـد، می‌توانند باورها و فردیت خود را بیان کنند. این امر می‌تواند در کمک به آنها برای درک بهتر خود و یافتن منحصر به فرد بودن خود بسیار مهم باشد.

در حالی که موسـیقی اثرات مثبت زیادی دارد، در نظر گرفتن پیام پنهان موسـیقی که نوجوانان به آن گوش می‌دهند نیز مهم اسـت. اشعار و مضامین موسیقی می‌توانند بر نگرش‌ها و رفتارها تأثیر بگذارند. به عنوان مثال، آهنگ‌هایی با پیام‌های مثبت می‌توانند الهام‌بخش باشند در حالی که آهنگ‌هایی با محتوای منفی ممکن است تأثیر متفاوتی بر نوجوانان داشـته باشـند. ضروری است که نوجوانـان در نظر بگیرند که به چه نوع موسـیقی گوش می‌دهند و والدین آنها را در انتخاب‌هـای خوب در مورد مصرف خود راهنمایی کنند.

در پایـان تاکیـد می‌کنـم، حمایت همه جانبه از هنرمندان مستقل برای تولید آثار موسـیقایی باکیفیت اهمیت زیادی دارد؛ زیرا موسیقی تأثیر مهمی بر زندگی روزمره نوجوانان دارد. موسیقی حمایت عاطفی فراهم می‌کند، ارتباطات اجتماعی را تقویت می‌کند، مهارت‌های شناختی را بهبود می‌بخشد و به رشد هویت کمک می‌کند. همزمان با اینکه نوجوانان با چالش‌های بزرگ شـدن روبرو می‌شوند، موسیقی نقش مهمی در شکل‌دهی سـال‌های نوجوانی آنها دارد. آگاهی از تمام تأثیراتی که موسیقی بر ما دارد می‌تواند به افزایش تأثیرات مثبت و کاهش تأثیرات منفی کمک کند.»

اشاره

خلق احساسات؛ آینده‌ی هنر یا فقط تقلیدی از بیان انسانی؟

یاد داشت: مرزی باریک میان خلق هنری واقعی و شبیه‌سازی احساسی توسط ماشین را بررسی می‌کند؛ آن هم در زمانی که ابزارهایی مانند DALL-E - یکی از پیشـرفته‌ترین مدل‌های هوش مصنوعی مولد -در حال ورود به قلمرو احساسی هنر هستند.

من با این پرسش شروع کردم که آیا ماشین‌ها می‌توانند احساساتی مثل اندوه یا اضطراب را به‌صورت تصویری بازآفرینی کنند؟

آیا می‌شود از یک مدل هوش مصنوعی انتظار داشـت عمق درونی یک تابلوی پیکاسـو یا ون‌گوگ را بازتاب دهد؟

بـا اسـتفاده از DALL-E و بهره‌گیری از اصولی چون تئوری رنگ- زبان بدن و حالات چهره، نتایج شگفت‌انگیزی به‌دسـت آمد. این مدل توانسـت تصاویری تولید کند که از نظر احساسی، شباهتی نزدیک به آثار کلاسیک پرتنش و قدیمی داشـتند. حتی می‌توان گفت در برخی موارد، حس ناخوشایند ولی واقعی را به‌بیننده منتقل می‌کردند.

ایـن تجربه، پرسـش‌های مهمـی را پیش می‌کشد:

آیا هوش مصنوعـی می‌تواند روح هنرمندان بزرگ را شبیه‌سازی کند؟

آیا روزی خواهد رسید که ماشین‌ها تابلوهایی "جدید" از داوینچی یا ون‌گوگ بسـازند؟ آثاری که هیچ‌وقت وجود نداشته‌اند اما می‌توانسـتند وجود داشته باشند؟

احساسات نسخه ۲.۰

مدل‌های زبانی بزرگ (LLM)، مانند GPT، احساس واقعی ندارند - اما می‌توانند آن را با دقتی خیره‌کننده تقلید کنند. این مدل‌ها با آموزش از حجم عظیمی از نوشتار انسانی، زبان شادی، اندوه، ترس، عشق و حیرت را درونی کرده‌اند.

امـروزه مـردم از این مدل‌ها برای نوشـتن نامه‌های احسـاسی، گفت‌وگوهای همدلانه یا حتی نقش درمانگر مجازی اسـتفاده می‌کنند. با اینکه این مدل‌ها هیچ احسـاسی واقعاً تجربه نمی‌کنند، توانایی‌شان در بازتاب احسـاسات انسانی در حال دگرگون کردن شـیوه‌ی نوشتن، ارتباط و خلق است.

اما حالا سـوال عمیق‌تری مطرح می‌شود: آیا این ماشین‌ها می‌توانند احسـاسات را "تقلیـد" هم بکنند؟

آیا هـوش مصنوعی احساسـات را "می‌بیند"؟

برای بررسی این موضوع، سراغ آثار هنری رفتم که در تاریخ به‌خاطر بیان قدرتمند احسـاسات انسانی شناخته شده‌اند؛ آثاری که مخاطب را تکان می‌دهند.

احسـاساتی مانند غـم، انـدوه، اضطراب و نومیدی - چرا که در اغلب موارد این حالات احسـاسی، عمیق‌تر از شـادی در روح انسان طنین می‌اندازند. درست مانند موسیقی‌های غم‌انگیزی که بیش از آهنگ‌های شاد، دل آدم را تسخیر می‌کنند.

من آثاری چون: فریاد اثر ادوارد مونک، پیرمرد گیتارنواز اثر پابلو پیکاسـو، و بر دیواری ابدیت اثر ون‌گوگ را به عنوان مرجع انتخاب کردم.

با مقایسـه‌ی تولیـدات DALL-E با این آثار، نتایج جالبی به دسـت آمد. مدل هوش مصنوعی نه‌تنها توانسـت زبان بصری این آثار را تقلید کند، بلکه در انتقال حس درونی هم موفق بود؛ دست‌کم تا حدی.

اگرچه هوش مصنوعی نمی‌تواند مانند انسان "احسـاس" کند، اما قـدرت آن در بازنمایی احساسات دارد. مرزهای تعریف سنتی از هنر و خلاقیت را جابه‌جا می‌کند.

هنوز نمی‌دانیم که آیا این بازنمایی، نوعی هنر به‌شمار می‌آید یا نه- اما نمی‌توان انکار کرد که ماشین‌ها دارند به زبان احساسی ما نزدیک‌تر می‌شوند. شاید نه با روح، اما با الگوریتم.

وقتی ماشین‌ها سوگواری می‌کنند

اگر نمادهای بصری احسـاسات انسـانی را می‌تـوان آموزش داد، مشـاهده کرد و تکرار نمود؛ آیا یک ماشـین هـم می‌تواند آن‌ها را یاد بگیرد؟ آیا هوش مصنوعی مولدی مانند DALL-E قادر است همان نشانه‌هایی را که در آثار احسـاسی هنرمندان به‌کار رفته، درک کرده و بازآفرینی کند؟

برای آزمودن این فرضیه، من یک دسـتور ساده اما بلندپروازانه به DALL-E دادم:

«یک تصویر غمگین، در سبک پابلو پیکاسـو تولید کن.»

نتیجه؟ شگفت‌انگیز بود.

در نگاه اول، تصویر تولیدشـده عمق عاطفی قابل‌توجهی داشـت. پالت رنگی از آبی‌های ملایم و گرفته تشکیل شده بود. فیگور، با بدنی خمیده و حالتی درون‌گرا ترسـیم شده بود. حالت چهره‌اش؟ چشم‌های بسته، دهانی رو به پایین، و احساسی تلخ اما آرام. تمام عناصر «دستورالعمل اندوه» که پیش‌تر لشاره کردیم، دقیقاً رعایت شده بودند.

اما چیزی که بیشتر شگفت‌زده‌ام کرد این بود: DALL-E فقط غم را تقلید نکرده بود؛ بلکه ظرافت‌های سبک آبی پیکاسو را نیز بازتاب داده بود؛ از ویژگی‌های انتزاعی کوبیسم گرفته تا فرم‌ها و خطوط شکسته‌ای که او در آن دوره به‌کار می‌برد.

از DALL-E پرسیدم: چرا این تصویر؟

سؤالم ساده بود:

چرا تصمیم گرفتی این تصویر را بسازی؟ چه عناصری را در نظر گرفتی؟

پاسـخی که دریافت کردم، خیره‌کننده بود. هوش مصنوعی، نه‌تنها دربارهٔ تصمیماتش شـفاف صحبت کرد، بلکه تمام مؤلفه‌های بصری، تاریخـی و روانی تصویـر را با دقت توضیح داد:

تون احساسی: غم

رنـگ غالب: بودن آبی‌هـا و تون‌های خاکی گرفته، برای القای تنهایی و اندوه

بیان چهره: چشـم‌های افتاده، دهان مایل به پایین - نشانه‌های درد درونی

زبان بدن: حالتی خمیـده- سر تکیه داده بر دسـت - نمادی از خسـتگی یا سوگ

از نظـر سبک‌شـناسی DALL-E به آثار دوره‌ی آبی و کوبیسم ابتدایی پیکاسو ارجاع داده بود:

فرم‌های هندسی شکسـته،

بافت شبیه به نقاشی رنگ‌روغن،

و شخصیتی که در بسـیاری از آثار پیکاسـو در آن دوره تکرار می‌شـود (مانند نابینایان، سالخوردگان یا فقرا).

از لحاظ ترکیب‌بندی نیز هوشـمندانه عمل کرده بود:

قاب‌بندی عمودی برای تشدید حس انزوا

و فضای خالی سادهشده که تمرکز را به‌طور کامل روی وضعیت احساسی سوژه معطوف می‌کرد.

وقتی AI از کارش دفاع می‌کند

DALL-E توانست از تصمیمات هنری‌اش مثل یک منتقد یا هنرمند دفاع کند. نه‌تنها تصویری تولید کرد، بلکه دقیقاً می‌دانست چرا آن را به آن شکل تولید کرده است.

همانند دانش‌آموزی هنر، یا حتی مدرسان آن، DALL-E به خوبی از مبانی هنر، روان‌شناسی رنگ، زبان بدن و تاریخ هنر بهره گرفت و آن‌ها را به‌کار بست. بدون اینکه نیاز به دستور خاصی باشد.

و این، ما را به پرسشی مهم می‌رساند:

اگر یک مدل هوش مصنوعی می‌تواند تا این حد دقیق، آگاه و تأثیرگذار باشد، چه چیزی مانع می‌شود که نقش یک معلم هنر را بر عهده بگیرد؟

و اگر ما ثابت کردهایم که بیان احساسات در هنر، منطقی دارد - نوعی «علم احساس» - پس چرا نتوانیم به کمک AI، همان احساساتی را بیدار کنیم که زمانی توسط هنرمندان بزرگ جهان خلق می‌شد؟

آیا هوش مصنوعی می‌تواند اسـتادان بزرگ را دوباره زنده کند؟

در فیلم Down a Dark Hall، نوجوانی در یک مدرسـه شبانه‌روزی حضور دارند که ناگهان به هنرمندان و آهنگسـازان نابغه‌ای تبدیل می‌شوند. اما راز این نبوغ؟ آن‌ها فقط واسطه‌هایی هسـتند. برای روح هنرمندان مرده؛ خلاقیت‌شان از خودشان نیست.

حال سؤال اینجاست:

آیا هوش مصنوعی نیز می‌تواند چنین واسطه‌ای باشد؟

آیا ممکن اسـت شـاهد ظهور داوینچی ۲.۰ باشیم؟

هوش مصنوعی‌ای که نه صرفاً نسـخه‌ای از کارهای گذشته، بلکه «الهامی زنده‌ی خلاقیت یک نابغه» باشد.

همان‌طور کـه مدل‌های زبانـی، مکالمه با شکسـپیر یا اینشتین را ممکن کردهاند، شاید مدل‌های تصویـری نیز ما را بـه دوره‌های جدیـدی از هنر بصری ببرنـد - دوره‌هایی با راهنمایی و امضـای ذهن هنرمندانی که مدت‌هاست از دنیا رفته‌اند.

ترجمه: یاشار نیلی

اخبار

وقتی فرش‌ها آفتاب می‌گیرند

در حومه شهر آنتالیا، شهر ساحلی و گردشگری بزرگ در جنوب ترکیه هزاران فرش و گلیم که زیر نور خورشـید پهن شـده‌اند، تکه‌دوزی رنگارنگ و بافت‌کوهی را شکل داده‌اند.

به گزارش پیام آشـنا به نقل از عمشـهری آنلاین، از اوتِوِن تا سپتامبر، در زمین‌هایی که پس از برداشت محصول و پاکسازی از کاه و کلش خالی شده‌اند، تاجران بارهای خود را برای قرارگرفتن زیر نور خورشـید می‌آورند. این فرآیند به فرش‌ها کمک می‌کند تـا رنگ‌های طبیعی‌اما بیش از حد درخشانشـان کمی ملایم و همچنین ناخالصی‌ها و عناصر ناخواسته را آنها زدوده شود.

حفاظت از زاگرس به قیمت جان

جنگلبان نمونه رویشگاه زاگرس در لرستان با وجود کمبود نیرو و تجهیزات در مواجهه با حریق جنگل و مرتع و قاچاق چوب برای حفاظت از طبیعت تا پای جان ایستاده است.

مجیدجباری- همیشه خبری هست؛ آتش‌سوزی در ارتفاعات، قطع درختان در تاریکی و سـکوت شبه‌زمین‌خواری در حاشیه جنگل. اما نام آن‌هایی که پای این خبرها ایستاده‌اند، اغلب جایی در متن ندارد. آنها در سکوت، حافظ طبیعت هسـتند. جنگل‌بانی که در میان خطر، کمبود و بی‌توجهی، باز هم زمین را تکه‌تکه نمی‌گذارند. زاگرس با رویشـگاه‌های کم‌نظیر بلوط که از ارزشمندترین ذخایر طبیعی کشور به شمار می‌آید، سال‌هاسـت زیر فشار تخریب، به قاچاق چوب و آتش‌سوزی‌های بی‌پرنیی، کمر خم کرده اما همچنان استوار است. در چنین شرایطی، کار جنگل‌بان پاسداری از منابع طبیعی و ایستادگی در برابر فرسایش آرام یک زیست‌بوم است.

نهم مرداد، روز جهانی رنجر، فرصتی دسـت داد تا صدایی از دل رویشـگاه‌های متحصر به فرد زاگرسـی لرستان به گوش برسد؛ صدایی که هنوز آن‌طور که باید، شنیده نشده است. روز جهانی رنجر (معادل جنگل‌بان در ایران) یادآور تلاش‌هایی است که اغلب در سایه می‌ماند به همین بهانه، همشهری آنلاین با یکی از جنگل‌بان‌های نمونه کشور گفت‌وگو کرد تا بخش‌هایی از دغدغه‌ها و واقعیت‌های این حرفه را بازتاب دهد.

پرویز سلیمانی، جنگل‌بان اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرسـتان خرم‌آباد، بیش از ۱۵ سـال در خط مقدم حفاظت از جنگل‌های زاگرس ایستاده است. او با مدرک کارشناسی ارشد منابع طبیعی و سـابقه‌ای پر از گشـت‌های شبانه، حضور در عملیات اطفا حریق و آموزش‌های مردمی، در ششمین جشنواره ملی انتخاب جنگل‌بان نمونه، برگزیده شـد. اما آنچه او از واقعیت‌های این شـغل روایت می‌کند فراتر از تقدیر و افتخار است.

سلیمانی معتقد است با وجود حساسیت شغل جنگل‌بانی، هنوز حقوق و مزایای نیروهای منابع طبیعی با حجم و سختی کار آن‌ها تناسب ندارد. او از «فلاکت‌زدگی شغلی» در بین برخی همکارانش می‌گوید: نیروهایی که به‌دلیل کمبود انگیزه و نبود حمایت به فکر جابه‌جایی به ادارات دیگر افتاده‌اند. «میـان‌های منابع طبیعی و وزارت جهاد کشـاورزی در موارد‌ی با هم در تضاد هستند. اما ما زیرمجموعه این وزارتخانه ایم. همین باعث شده اختلاف زیادی در حقوق و آیتم‌های رفاهی بین ما و دیگر بخش‌های وزارتخانه وجود داشته باشد. در حالی که ما شبانه‌روز درگیر آتش قاچاق، گشت و عملیات‌هستیم»

روایـت او از کار میدانـی جنگل‌بان‌ها، تصویری روشـن از حجم و نوع مسـئولیت آن‌ها ارائه می‌دهد. سـلیمانی در گفت‌وگو با همشهری آنلاین می‌گوید: «حضور شبانه‌روزی در عرصه‌ها علت‌شـناسی و مهار آتش‌سـوزی‌ها، مقابله با قاچاق چوب، پایش دام‌ها و حتی گفت‌وگو با مردم محلی و آموزش اهمیت حفاظت از منابع طبیعی، با این همه، کمبود تجهیزات و حتی نیروها نسبت به وسعت مناطق، نبود پشتیبانی قضایی و خطرات جانی، این ماموریت‌ها را پرهزینه و فرسایشی کرده‌است.»

او خطـرهای از درگیری با فرد متخلفی نقـل می‌کند که برای زغال‌گیری، درختان بلوط را قطع می‌کرد: «وقتی به او تذکر دادیم، به درگیری منجر شد و در این درگیری با چوب دستم را شکست. با این حال، فقط به شرط اینکه دیگر این کار را نکند از او گذشتم و رضایت دادم.»

سـلیمانی لحظاتی از تلخ‌ترین تجربه‌های خود را چنین توصیف می‌کند: «آتشـی که از دور دیده شد، دویدند. کوبیدند. خاموش کردند و همان‌جا کنار خاکسترها خوابیدند. یا آنکه کبوتری که مادر تا آخرین لحظه در آن ماند، تا جوجه‌هایش را از شعله‌ها نجات دهد. اما خوش هم در آتش سوخت. آنجا فهمیدم این کار فقط شغل نیسـت. عشق اسـت. هرچقدر هم خسـته باشیم، وقتی درختی را از بریدن نجات می‌دهی‌هم یا آتشی را خاموش می‌کنیم، سختی‌ها از یادمان می‌رود.»

جنگلبانی، شغلی بی‌مرز از نظر زمان و مکان، پرخطر از نظر جانی و گمنام از نگاه عمومی اسـت. این‌ها را سلیمانی می‌گوید و ادامه می‌دهد: «اینکه هنوز مجرد هسـتم، ولی شاهد بودهام که بسـیاری از همکارانم با دغدغه‌های معیشـتی، دوری از خانه و تلمتی روانی ناشی از خطرات محیط کار، به‌سختی تاب می‌آورند. به همین خاطر امیدوارم روزی سیاسـت‌گذاران و مسـئولان، نگاه دقیق‌تری به جایگاه جنگل‌بان‌ها داشته باشند. منابع طبیعی را از ساختار کنونی جدا و مسـتقل کنند و حقوق آن‌ها بر مبنای واقعیت‌های کاری باز تعریف شود.»

جنگل‌بان نمونه لرسـتانی اما از عشق به کارش می‌گوید: «من یک جنگلبانم و عاشق وطنم. جنگل برای من فقط درخت و گیاه نیسـت. قلب تپنده ایران اسـت. وظیفه من، حفاظت از این قلب سبز اسـت. حتی اگر روزی به قیمت جانم تمام شود.»

اشاره

استارت‌آپ‌هایی که قدرت هژمون دنیای فناوری هستند:

۱۰ «یونیکورن» بزرگ جهان

مجله تکنولوژی ۱۰ یونیکورن برتر دنیا را معرفی کرده است که در رأس آنها اسپیس‌ایکس ایلان ماسک با ۳۵۰ میلیارد دلار قرار دارد. رده هفتم نیز به اکس‌ای‌آی (xAI) ماسک تعلق دارد. در این فهرست نام یک ایرانی هم دیده می‌شود. علی قدسی، مدیرعامل دیتابریکس.

به گزارش پیام آشـنا به نقل از دنیای اقتصاد، در جهان پرفراز و نشـیب فناوری که هر روز نام جدیدی در فهرست اسـتارت‌آپ‌ها ظاهر و فردا محو می‌شود برخی از شرکت‌ها برخلاف جریان ناپایدار بازار مسـیر صعودی خیره‌کننده‌ای را طی کرده‌اند. شرکت‌هایی که حالا با ارزش‌گذاری‌هایی فراتر از میلیاردها دلار نه تنها در جایگاه یونیکورن‌های دنیای فناوری، بلکه به‌عنوان بازیگران اثرگذار اقتصاد جهانی شناخته می‌شوند. یونیکورن‌ها که در افسـانه‌های اسـب‌های تک‌شاخ هسـتند همواره نمادی از پاکی، قدرت و جادو بوده‌اند. در عالم فناوری هم به استارت‌آپ‌هایی لقب یونیکورن داده می‌شود که خاص و بی‌همتا هسـتند و ارزش آنها به بیش از یک میلیارد دلار می‌رسـد. اصطلاح یونیکورن حدود ۱۱ سـال قبل و در سال ۲۰۱۳ توسط فردی به نام «آیلین لی» مطرح شد.

آیلیـن لی که اولیـن زن بنیانگذار شـرکتی خطرپذیر در زمینه سـرمایه گذاری، در سیلیکون‌ولی بود، این لفظ را برای اسـتارت‌آپ‌هایی که ارزش بالای یک‌میلیارد دلار داشـتند استفاده کرد. جملهای که لی برای معرفی این استارت‌آپ‌ها استفاده کرد، تیتر مقاله‌ای تحت این عنوان بود که: «به باشگاه تک‌شاخ‌ها خوش آمدید: از اسـتارت‌آپ‌های میلیارد دلاری یاد بگیرید». لی با اسـتفاده از این لفظ برای استارت‌آپ‌های یونیکورنی به نادر بودن آنها اشاره کرد.

البته مورد دیگری که بعضی از استارت‌آپ‌ها یا کسب‌وکارهای نوپـا را در دسـته یونیکورن‌ها قرار می‌دهد، رشـد سـریع اسـتارت‌آپ‌های یونیکورن اسـت. در واقع رسیدن به ارزش و درآمد یک‌میلیارد دلار ظرف مدت زمانی بسـیار کوتاه رخ می‌دهد و این موضوع دیگر وجه تمایز کسب‌وکارهای میلیارد دلاری و دیگر کسـب و کارها اسـت. مورد دیگری که این شـرکت‌ها را از باقی شرکت‌ها جدا می‌کند، نوآوری آنهاسـت. استارت‌آپ‌های یونیکورن در یک یا چند حوزه پیشرو هسـتند. یونیکورن‌ها معمولا وارد حوزه‌ای می‌شوند که دیگران جرات نکرده‌اند در آن پا بگذارند.

در واقع مهم‌ترین تفاوت اسـتارت‌آپ‌های یونیکورن و دیگر استارت‌آپ‌ها یا در اصطلاح استارت‌آپ‌های معمولی را می‌توان در دیدگاه آنها نسـبت به نوآوری دانست. داشتن ایده جدید و نوآورانه، شـرط مهم در راه‌اندازی استارت‌آپ‌ها است که در استارت‌آپ‌های معمولی صرفا نوآوری اهمیت دارد. در واقع در یک استارت‌آپ معمولی، جدید بودن ایده صرف نظر از این که چه نوع کسب و کاری باشد و چه نتیجه‌ای داشته باشد، اهمیت داشته اما در استارت‌آپ یونیکورنی ایده جدید باید ارزش هم داشته باشد.

برای همین در این حوزه شما نام‌های معروفی را می‌بینید که ایده‌هایشان میلیارد دلاری شده و البته که مهم‌ترین یونیکورن عالم فناوری، ایلان ماسک است. فردی دمدمی‌مزاج برای اینکه ترامپ را به قدرت برسـاند، میلیون‌ها دلار خرج کرد تا بتواند از طریق ترامپ، سرمایه‌هایی جمع‌آوری کند. برای همین در لیسـت ۱۰ یونیکورن برتر دنیا، نام ایلان ماسک دوبار مطرح شده است.

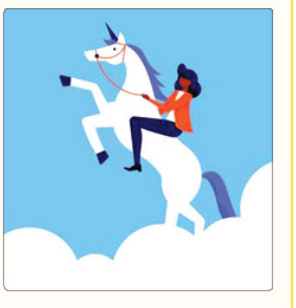

متـــوســـط انـــدازه‌ی دیـــوار مصـــرفِ روزانـــه!*

متوسـط مصـرف آب در ایـران ۴۰ لیتـر بالاتـر از اسـتاندارد جهـانی: ۱۹۰ لیتـر در روز.